

بررسی و تحلیل سبک‌شناسی نسخه خطی «تذکره‌النصایح» هشرودی

صونا حاجی‌محمدی، آیت شوکتی*، فرهاد فلاحت‌خواه

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۶، صص ۱۷۸-۱۵۳

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7999>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از آثار شاخص نثر فنی دوره قاجار، «تذکره‌النصایح» اختیارین محمدباقر هشرودی است. این اثر که در سده سیزدهم هجری نگاشته شده، از یک سو مجموعه‌ای از نصایح اخلاقی را دربردارد و از سوی دیگر، نمونه پیچیده‌ای از سبک نثر مصنوع است که مملو از تشبیهات و کنایات می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل سبک‌شناسی نسخه خطی «تذکره‌النصایح» هشرودی است.

روش مطالعه: روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و اسنادی و آماری است.

یافته‌ها: تحلیل نشان می‌دهد که این اثر چگونه میراث‌دار سبک مصنوع دوره قاجار بوده و تا چه میزان توانسته است انواع صنایع را در این اثر نشان دهد.

نتیجه‌گیری: همچنین از پژوهش حاضر چنین دست داد که تذکره‌النصایح یک اثر اخلاقی-عرفانی است و بر پایه وضوح استوار است و این ویژگی از سبک ارشادی-تعلیمی متأثر شده است. وی فقط در صورت لزوم از ابزارهای پر قدرت و پیچیده (استعاره و مجاز) استفاده کرده است. تمایل به ظرافت و قرار گرفتن کنایه در اولویت دوم در نثر وی، جهت پرهیز از خشکی کلام نیز با درونمایه اثر همسویی دارد.

تاریخ دریافت: ۲۵ تیر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۷ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

اختیار شاهرودی، تذکره‌النصایح،

نسخه خطی، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

✉ ayat.shokati@iaui.ac.ir

☎ ۳۶۴۳۰۰۰۱ (۴۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Study and stylistic analysis of the manuscript of Hashtroudi's "Tazkirat-ul-Nasa'ih"

S. Hajimohammadi, A. Shokati*, F. Falahatkah

Department of Persian Language and Literature, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 July 2025
Reviewed: 18 August 2025
Revised: 03 September 2025
Accepted: 18 October 2025

KEYWORDS

Ekhtiyya Shahrudi, Advice
Memoir, Manuscript, Stylistics.

*Corresponding Author

✉ ayat.shokati@iaui.ac.ir

☎ (+98 44) 36430001

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the prominent works of artistic prose of the Qajar period is "Tazkirat-ul-Nasa'ih" by Ikhtiyyah ibn Muhammad Baqir-ul-Hashtroudi. This work, written in the 13th century AH, contains, on the one hand, a refined collection of moral advice, and, on the other hand, is a complex example of the style of fabricated prose that is full of similes and allusions. The main aim of this research is to study and analyze the stylistic analysis of the manuscript of "Tazkirat-ul-Nasa'ih" by Hashtroudi.

METHODOLOGY: The research method is descriptive-analytical, documentary and statistical.

FINDINGS: The analysis shows how this work inherited the architectural style of the Qajar period and to what extent it was able to show various industries in this work.

CONCLUSION: It also emerged from the present study that Tazkirat al-Nasayeh is a moral-mystical work and is based on clarity, and this feature is influenced by the didactic-instructional style. He has used powerful and complex tools (metaphor and allegory) only when necessary. The tendency to elegance and placing irony in second priority in his prose, in order to avoid dryness of language, is also in line with the theme of the work.

[doi.2002/bahareadab.2026.18.7999](https://doi.org/10.2002/bahareadab.2026.18.7999)

NUMBER OF REFERENCES



16

NUMBER OF TABLES



0

NUMBER OF FIGURES



9

مقدمه

دوران قاجار، به‌ویژه نیمه دوم آن، به لحاظ تحولات نثری یکی از ادوار مهم تاریخ ادبیات فارسی محسوب میشود با ظهور دوره قاجار در تاریخ ایران (آغاز سده سیزدهم هجری) جریانهای ادبی متعددی شکل گرفتند و متون مهمی در حوزه‌های تاریخ، تذکره و نصایح حکما پدید آمدند. یکی از مهمترین این جریانها در حوزه نثر، تداوم و در عین حال تشدید سبک فنی و مصنوع بود که سابقه آن به دوران صفویه باز میگشت. این سبک در پاسخ به جریان ساده نویسی که از اواخر دوره زندیه آغاز شده بود، شکل گرفت و به قصد نمایش فضل، دانش، تواناییهای بلاغی و مقام نویسنده در به‌کارگیری الفاظ دشوار و ساختارهای پیچیده به اوج پیچیدگی خود رسید.

«تذکره‌النصایح» اثر اختیاربن محمدباقر ملقب به خان بابا هشتروddy که یکی از همین متون مغفول مانده از دوره قاجار است، نه تنها به لحاظ محتوایی حاوی نکات مهم درخصوص تذکره‌نویسی است، بلکه مجموعه‌ای از حکایات اخلاقی و توصیه‌های حکیمانه است. سندی مهم برای مطالعه پایان دوره نثر فنی محسوب میشود. این نثر نشان دهنده اوج تلاش نویسندگان برای آراستن کلام به زیورهای لفظی است.

این مقدمه بر اهمیت تاریخی و ادبی این اثر تأکید می‌ورزد و ضرورت پرداختن به آن را از منظر تصحیح و تحلیل سبک شناسانه توجیه مینماید. نثر هشتروddy، نقطه تلاقی سنت طولانی نثر مصنوع صفوی و آغاز دوره‌ای است که نثر فارسی به تدریج به سمت سادگی و وضوح حرکت خواهد کرد، هر چند این حرکت در دوره قاجار، به‌کندی صورت گرفت.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامع صنایع ادبی به کار رفته، در آن به دو شیوه کیفی و کمی. این رویکرد دوگانه فراتر از صرف تصحیح، عمق بلاغی و سبکی اثر را آشکار ساخته و تصویری واضح از میزان اهتمام مؤلف به آراستگیهای معنوی ارائه میدهد.

مسأله پژوهش (بیان مسأله)

در دوره قاجار ادبیات کلاسیک فارسی اندک اندک رونق خود را از دست میدهد و موضوعات تازه و انواع ادبی جدید، موجب تحولات گسترده فرهنگی در سطوح گوناگون جامعه میشود. «(حاج‌بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۱)» «در بررسی ادبی- فرهنگی عصر قاجار، میتوان سه دوره را در نظر گرفت: دوره نخست که از آن میتوان به عنوان دوران خمودگی یاد کرد، از آغاز عصر قاجار تا اواخر عهد محمدشاه را در برمیگیرد، در این دوران هیچ‌گونه تحولی در عرصه فرهنگ و ادب دیده نمیشود. شاعران و نویسندگان مانند شاعران و نویسندگان دوره‌های گذشته، مشغول مدیحه‌سرایی و تکرار موضوعاتی هستند که پیشینیان در آن عرصه‌های استادی خویش را اثبات نمودند. در نثر این دوره هیچ‌گونه نوآوری دیده نمیشود. دوره دوم عصر قاجاری، دورانی است که نویسندگان ایران با بعضی از انواع ادبی جدید همچون روزنامه‌نویسی و ترجمه متون غربی و نمایشنامه‌نویسی شدند. این دوران از اواخر عهد محمدشاهی آغاز و تمامی دوران سطح ناصرالدین شاه را دربرمیگیرد. دوره سوم، عصر قاجار که دوران به ثمر رسیدن تحولات به‌وجود آمده در دوران قبلی است، شامل دوران مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطه و پایان حکومت قاجاری میگردد.» (همان: ۲۸)

معرفی اختیار هشتروddy

برای یافتن اطلاعات در باره اختیار هشتروddy، به سراغ منابعی رفتیم که به تاریخ ادبیات تذکره‌های منشیگری و نقد نثر دوره قاجار پرداخته‌اند.

همچنین در بانک‌های اطلاعات پایان‌نامه‌ها و مقالات دانشگاهی (مانند نورمگزیا، سیویلیکا) نثر جستجو کردیم، اما هیچ سندی حاوی اطلاعات بیوگرافی هشترودی به دست نیامد. در این دوران ما شاهد نگارش بسیاری از آثار ادبی و تاریخی هستیم، که بخشی از آنها به چاپ رسیده‌اند؛ با این حال بخش زیادی از این آثار نیز به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور باقی مانده‌اند که ضرورت دارد به منظور شناسایی این دوره تاریخی و پژوهش در ابعاد مختلف آن، تصحیح و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند.

یکی از این نسخه‌ها که تصحیح آن می‌تواند در بازآفرینی گذشته فرهنگی این دوره مؤثر باشد، نسخه خطی «تذکره‌النصایح اثر اختیار هشترودی» است.

براساس اطلاعات مندرج در فتخا (فهرست نسخ خطی)، اختیار بن محمدباقر هشترودی ملقب به «خان بابا» در قرن سیزدهم قمری میزیسته است.

اختیار هشترودی، به دلیل انتساب به شهر هشترو در آذربایجان شرقی، با عنوان هشترودی شناخته می‌شود. این انتساب جغرافیایی او را در کنار دیگر ادیبان آذربایجان در دوره قاجار قرار می‌دهد.

دوره زندگی و فعالیت

درباره تاریخ تولد و وفات او اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، اما از شواهد تاریخی و ادبی مسلم است که او در نیمه اول سده سیزدهم هجری فعالیت داشته است. متأسفانه مانند بسیاری از منشیان آن دوره، اطلاعات شخصی و جزئیات زندگی او بسیار محدود است.

دوران فعالیت او، اواسط تا اواخر دوره قاجار است. شغل او منشیگری، کاتبی و دبیری بود. در آن دوره، منشیان درباری یا منشیان حکام محلی، علاوه بر انجام امور دیوانی، باید مهارت بالایی در نگارش نامه‌ها و احکام مصنوع و پرآرایه داشتند اثر وی نشان می‌دهد که وی در این حوزه، تبحر بسیاری داشته است.

تمایلات ادبی

او به سبک بازگشت ادبی گرایش داشت این جنبش در پاسخ به سادگی و سستی نثر دوره افشاریه و زندیه شکل گرفت و هدفش احیای نثر فنی و متکلف سده‌های پیشین بود.

«تذکره‌النصایح» تنها اثر به جا مانده از وی می‌باشد. این کتاب، چنان که از نامش پیداست مجموعه‌ای از اندرزها و پندنامه‌هاست، مضمون آن، داستانهایی در باب اخلاق عملی، تهذیب نفس و ... است.

هر پاراگراف، مملو از سجع‌های پی‌درپی، تشبیهات بلیغ، استعارات و کنایات است. استفاده از عبارات دشوار، مترادف‌های عربی و تلمیحات تاریخی و قرآنی، باعث شده است که متن او نسبتاً ثقیل و در عین حال از نظر فنی، غنی می‌باشد.

استفاده افراطی و مداوم از سجع با هدف تفاخر ادبی صورت می‌گرفته است.

به کارگیری لغات عربی و همچنین واژه‌های کمتر شنیده شده که فهم متن را برای خواننده عادی سخت می‌کند. وی از آرایه‌های ادبی مانند: جناس، سجع، مراعات‌النظیر، تضاد و تلمیحات شاید صرفاً برای تقویت معنا بلکه برای نمایش مهارت فنی خود بهره برده است.

تذکره‌النصایح هشتروddy

«تذکره‌النصایح» به صورت نسخه خطی در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری میشود. موضوع این اثر اخلاقی است و توسط مقام معظم رهبری در مهر ۱۳۸۶ وقف شده است. این نسخه مشتمل بر ۱۲۴ ورق در اندازه ۲۱،۱۴ به خط نستعلیق نوشته شده است.

«تذکره در لغت، به معنای به یادآوردن، یادآوری کردن، پند دادن، یادگار و یادداشت و کتابی که در آن احوال شعرا نوشته شده باشد، آمده است.» (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۴۳) در تمام کتب ادبی فارسی پیش از صفویه، (غیر از تذکره دولتشاهی) کلمه تذکره به معنای یادگار، یادداشت و یادآوری به کار رفته است و به تدریج در دوره صفویه به کتابی حاوی شرح حال و آثار شعرا باشد، اطلاق میشده‌اند. بعد از عصر صفوی در تمام تذکره‌هایی که در ایران تألیف شده، کلمه تذکره به معنای «تذکره‌الشعرا یعنی؛ کتابی که در آن ترجمه احوال و نمونه اشعار شعرا باشد، آمده است و امروز نیز به همین معناست.» (مصفا، ۱۳۸۲، ص ۹۸)

با وجود این‌که «تذکره‌النصایح» در دوره سوم قاجار (بعد از صفویه) در ۱۲۸۲ هجری نوشته شده است، ولی تذکره در این اثر، به معنای دوره صفوی (پند و اندرز) به کار رفته است.

علی‌رغم اهمیت «تذکره‌النصایح» به عنوان سند تاریخی و سبکی ممتاز در دوره قاجار، تاکنون این نسخه تصحیح و منتشر نشده است. این فقدان یک متن منقح دسترسی محققان ادبیات فارسی، تاریخ اجتماعی و سبک‌شناسی را به این اثر دشوار کرده است.

هشتروddy در کتاب «تذکره‌النصایح» سعی دارد، اندیشه‌های والای خود را که گویای توجه وی به مباحث اخلاقی، عرفانی و تعلیمی است، در قالب کلامی موزون و به نثر درآورد.

رویکردی که از دیرباز یعنی از روزگار افلاطون و ارسطو در نقد آثار ادبی بسیار متداول بوده است، رویکرد اخلاقی است: «افلاطون نخستین کسی است که بر ارزش اخلاق در ادبیات تکیه میکند.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶) «ادبیات تعلیمی، طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل میدهد. پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است، حتی دون مایه‌های تغزلی و حماسی در ادبیات فارسی به نوعی با آموزه‌های اخلاقی پیوند یافته است؛ نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان اغراض اخلاقی و تعلیم و تربیت در طول اعصار و قرون هدف ادبیات بوده است.» (مشرف، ۱۳۸۹، ص ۹)

«بشر همواره به ادبیات تعلیمی توجه کرده است. رگه‌هایی از این نوع ادبی در ادبیات قبل از اسلام و پس از آن دیده میشود. بنابراین پیشینه این امر بسیار دراز است. از قدیمیترین نوع ادب تعلیمی بعد از اسلام میتوان به کتاب «آیین نامک» اشاره کرد که مجموعه‌ای از تعالیم اخلاقی و فرهنگی، آداب، رسوم، ادب رزم، سوگواری، شادی و ... است که بسیاری از نویسندگان دوره اسلامی از آن در آثار خود بهره برده‌اند.» (ر.ک. بهار، ۱۳۸۲، ص ۵۰)

بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر، مسأله تحلیل سبک‌شناسی است. نبود تحلیلهای علمی و جامع در مورد شگردهای فنی نثر هشتروddy و عدم وضوح در مورد جایگاه واقعی او در سیر تحول نثر فارسی، به‌ویژه در تمایز بین تقلید صرف از نثر فنی صفوی و ابتکارات احتمالی او در این زمینه حل این دو مسأله، برای شناخت کامل ادبیات ضروری است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر به دلایل ادبی و سبک‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که ضرورت انجام آن را توجیه مینماید:

منبعی برای مطالعه بلاغت و لغت‌شناسی:

این متن به دلیل تمرکز بر آرایه‌های معنوی می‌تواند منبعی غنی برای مطالعات بلاغی در مورد نحوه کاربرد آرایه‌ها در دوره قاجار باشد. همچنین به دلیل استفاده از واژگان غریب و مهجور عربی و فارسی و همچنین ترکیبات خاص می‌تواند به عنوان یک منبع لغوی برای محققانی که در زمینه زبان فارسی دوره قاجار فعالیت می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد.

ارجگذاری بر ادبیات محلی (آذربایجان):

از آنجا که مؤلف منسوب به هشتروند (از توابع آذربایجان) است، تحلیل این اثر می‌تواند به درک بهتر وضعیت ادبیات منطقه‌ای کمک کند. این پژوهش خلاء موجود در تاریخ نگاری نثر فارسی سده سیزدهم را پر خواهد کرد.

اهداف پژوهش

تحلیل سبک‌شناسی جامع: انجام تحلیل سبکی متن تصحیح شده در سه سطح اصلی: سطح فکری و محتوایی، سطح زبانی و سطح ادبی.

پرسشهای پژوهش

این پژوهش تلاش دارد تا با پاسخهای مستدل و مبتنی بر شواهد متن به سؤالات زیر پاسخ دهد:
اختیار هشتروندی از چه سبکی در «تذکره‌النصایح» استفاده کرده است؟
مهمترین ویژگیهای سبکی «تذکره‌النصایح» در سه سطح فکری، زبانی و ادبی کدامند؟

فرضیه‌های پژوهش

«تذکره‌النصایح»، تحت تأثیر سبک بازگشت ادبی قرار دارد و نویسنده سعی کرده با بازسازی شگردهای فنی متقدمان، جایگاه خود را به عنوان یک نویسنده توانمند تثبیت کند.

سوابق و پیشینه پژوهش

بررسی منابع نشان داد که هیچ تصحیحی از نسخه «تذکره‌النصایح» در دسترس نیست و این پژوهش، نخستین گام در احیای این اثر است. همچنین هیچ پژوهشی نیز در راستای این اثر انجام نشده است.

نوآوری و جدید بودن پژوهش

از آنجا که هیچ پژوهشی در این مورد انجام نگرفته به‌طوری که این اثر برای اولین بار احیاء میشود و همزمان به عنوان یک اثر عالی برای بررسی جزئیات نیز مصنوع قاجار، مورد تحلیل قرار میگیرد، دالّ بر جدید بودن این پژوهش است. بازخوانی و احیای این اثر، در پی معرفی بهتر اختیار بن محمدباقر هشتروندی به جامعه ادبی ایران است.

بحث و بررسی

هر اثری در مطالعات سبک‌شناسانه از سه جهت زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار میگیرد:

سطح زبانی

فرهنگ محاوره‌ای و عامه

فرهنگ محاوره‌ای

همه را براو میدم (ب ۳۱)

فرزندش نمیشد (ب ۴۸)

بیا برویم چند روز در خدمت باشیم تا بلد شده (ب ۵۴)

ای پدر سوخته حالا باش (ب ۵۴)

ای پدر سوخته مگر هم مثل آن درویشی هندی هستی (ب ۵۵)

فرهنگ عامه

در حال آن زمان مرا از جیب پیراهن گذرانیده، بر پسری نامزد کردند (ب ۷۳)

واژه‌های عربی

واژه‌های عربی

- مجربات (ب ۹۳)
- علی‌الاطلاق (ب ۹۴)
- حاکم حکماً (ب ۹۹)
- لثیم الطبع (ب ۱۰۵)
- سفیه لایعلم (ب ۱۰۰)
- ایهاالخدّام (ب ۵۵)
- بالمضاعف (ب ۶۶)
- اخفاً (ب ۶۶)
- علی‌الصباح (ب ۴)
- واهب العطایا (ب ۸۲)
- سموای‌المراتب (ب ۸۰)
- مدعلیها (ب ۸۱)
- مشارالیه‌ها بالبنان (ب ۴۳/ب ۸۴)
- علی‌الجمله (ب ۲۳)
- بیت‌المعمور (ب ۲۳)

واژه‌های ترکی

- اینصاف (ب ۶/ب ۶۱/ب ۹۸)
- پوشکی (ب ۲۳/ب ۸۰/ب ۱۱۸)
- آوردو (ب ۳۴/ب ۳۷/ب ۶۸)
- سرداش (ب ۵۰)

در لابلای نسخه، چند جمله‌ای به چشم خورد که از زبان آذری متأثر شده بود.

به من قدغن کرده است. (ب ۳۳)

ای درویش خیره سر مگر نوبت کار به من نمی‌افتد؟ (ب ۳۶)

فرزندش نمی‌شد (ب ۴۸)

واژه‌های ساختگی

- سگ عبتر (ب ۱۲)

- قندرون (ب ۳۰)

- مال مکاری (ب ۱۴)

هم‌معنی یا مترادف

هم‌معنا یا مترادف یا هم‌چم عبارتی است که در یک زبان معنای دقیقاً برابر یا تقریباً برابری با واژه یا عبارت دیگری دارد. به واژگان مترادف، هم‌معنی و هم‌ردیف نیز گفته می‌شود.

ابتداء سخن که ثنای حمد است زیاده از احصی و عد. (ب ۲)

چنین گوید بنده قاصر و محافر اختیار بن محمدباقر. (ب ۲)

در وادی ضلالت و بادیۀ جهالت ویلان سرگردان بوده (ب ۲)

تضاد

عوضی کمی عشرت بسی مذلت در مقابل دیده (ب ۲)

عشرت، مذلت

چون از آن خواب سنه غفلت چشم بصیرت را باز کرده (ب ۲)

غفلت، بصیرت

آوردن چند صفت برای یک موصوف

چون از آن خواب سنه غفلت چشم بصیرت را باز کردم (ب ۲)

ساقیان دلربای زهره شکاف ساغر می ناگواری به گردش درآوردند. (ب ۳۶)

چون رستم گرد زهره شکافم (ب ۴۳)

به مرکب قیرگون شمس و جلدرو سوار شده. (ب ۶۸)

آوردن حرف «ب» بر سر فعل

بیا نشانت بدهم. (ب ۴)

مرکب عنان را بازداشته باستاد. (ب ۵)

آن وقت تو آتش بیفروز. (ب ۸)

در طوبره گذاشته بیاورد. (ب ۸)

آن چه در خانه بود بالمره بسوخت. (ب ۸)

دل بر وحدانیت الهی ببندیم. (ب ۱۲)

از غایت دلشادی از هوش برفتند. (ب ۱۲)

آوردن حرف «ب» بر سر فعل

بیا نشانت بدهم. (ب ۴)

مرکب عنان را باز داشته باستاد. (ب ۵)

آن وقت تو آتش بیفروز. (ب ۸)

در طوبره گذاشته بیاورد. (ب ۸)

آن چه در خانه بود بالمره بسوخت. (ب ۸)

دل بر وحدانیت الهی ببندیم. (ب ۱۲)

از غایت دلشادی از هوش برفتند. (ب ۱۲)

اضافه اقترانی

«اضافه‌های اقترانی» نوعی ترکیبهای اضافی هستند که در آنها، بین مضاف و مضاف‌الیه، رابطهٔ مقارنت و نزدیکی دیده می‌شود. در واقع نوعی همراهی بین مضاف و مضاف‌الیه آنها وجود دارد.

پای ندامت به سنگ ملامت زده (ب ۲)

پای ندامت

دامن احتراز را از آرایش معصیت به فراز چیده (ب ۲)

دامن احتراز

چشم عبرت را باز کرده (ب ۴)

افعال پیشوندی

شکاری به چنگال زده، برگردید. (ب ۱۱)

فریاد برآوردند. (ب ۱۱)

زیر پای آشیانه رخ درآمدند. (ب ۱۲)

اصلة بین دو جزء فعل مرکب

خطای ناحق کرده باشند. (ب ۵۴)

ملک رو از طبیب درهم کشید. (ب ۵۵)

کاربرد «را» در نقش‌های مختلف

«را» فک اضافه

مادرم را چشم انتظار در راه است. (ب ۵۴)

«را» مفعولی

تو را بدین حال دیده. (ب ۶۲)

آن درختی را پیدا کرده، میوه‌اش را بخورد. (ب ۵۳)

او را صدر جای داد. (ب ۵۳)

«را» حرف اضافه

زبان بیان را مطلق عنان نبود. (ب ۷۳)

ملک را اجل دیر رسد. (ب ۷۶)

شاه را وزیر عادل و بی‌نظیرش بود. (ب ۵۹)

کوتاهی جملات

به خواب غفلت رفتم. (ب ۲)

بند از بند جدا شده. (ب ۴)

رقعه بر خرقة می‌دوزد. (ب ۵)

سطح ادبی

تشبیه:

«اصلاح تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ‌نما باشد، یعنی با اغراق همراه باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴)

تشبیه تأثیر کلام را تقویت و اثرگذاری آن را ارتقا می‌دهد. می‌توان تشبیه را مادر علوم بیان محسوب کرد، چه اکثر صور خیال از دامن تشبیه برمی‌آیند و شکل می‌گیرند.

تشبیه نه تنها ساده‌ترین و پربسامدترین عنصر خیال در بیان است، بلکه گفتاری عادی و محاوره مردم را نیز شامل می‌شود به طوری که مردم حتی در محاورات روزمره خود نیز از تشبیه استفاده می‌کنند.

انواع تشبیه:

تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

منظور از حسی بودن طرفین یا وجه‌شبهه این است که هر کدام از آنها به وسیله یکی از حواس پنجگانه انسان (بینایی، بویایی، چشایی، شنوایی یا بساواپی) درک شود و اگر یکی از طرفین یا وجه‌شبهه، به وسیله حواس درک نشوند و مخاطب برای درک آن متوسل به نیروی عقل یا تخیل شود تشبیه به کار رفته غیرحسی است.

«توجه به حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه می‌تواند به تشخیص سبکهای مختلف شعر کمک کند. مثلاً در سبک خراسانی تشبیه از نوع حسی هستند و در سبک عراقی بیشتر از نوع عقلی.» (احمدنژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

تشبیه به لحاظ حسی یا غیرحسی بودن طرفین (مشبه و مشبه‌به) به چهار دسته تقسیم می‌شود: تشبیه حسی به حسی - حسی به عقلی - عقلی به حسی - عقلی به عقلی.

الف - تشبیه حسی به حسی: هر دو طرف تشبیه همانگونه که ذکرش رفت به وسیله یکی از حواس پنجگانه درک شود.

ب: تشبیه حسی به عقلی: هرگاه مشبه با یکی از حواس پنجگانه درک شود و مشبه‌به، غیر قابل درک با حواس پنجگانه باشد. «به لحاظ تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم، یعنی به کمک مشبه‌بھی که در صفتی اعراف، اجلی و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را توصیف را توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو در اینگونه تشبیهات شاعر باید خود وجه شبهی را که در نظر دارد ذکر کند و بدیهی تربیت اینگونه تشبیه همواره مفصل است گاهی به ندرت دیده می‌شود و وجه شبه را ذکر نمی‌کنند. در این صورت باید مشبه‌به به عقلی در صفتی (وجه‌شبهه) بسیار معروف باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۳۸)

ج - تشبیه عقلی به حسی: مشبه از امور عقلانی است که شاعر یا گوینده وجه‌شبهه و مشابهتی بین آن و چیزی یا کسی در خارج پیدا می‌کند و به آن چیز با کس تشبیه می‌کند. «تشبیه عقلی به حسی رایجترین نوع تشبیه است؛ زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه در ذهن خواننده است و مشبه عقلی به کمک مشبه‌به حسی به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می‌شود.» (همان: ۳۷)

د - تشبیه عقلی به عقلی: هر دو طرف تشبیه از اموری هستند که وسیله حواس پنجگانه قابل درک نمیشوند. دکتر شمیسا این نوع تشبیه را تأیید نمیکند، به این علت که از مشبه به عقلی وجه شبه روشن و صریحی به دست نمی‌آید. تا به کمک آن مشبه درک شود. بهتر است در این نوع تشبیه وجه شبه نیز ذکر شود، اگر ذکر نشود، لازم است که مشبه به در صفتی بسیار معروف باشد.

تشبیه به لحاظ مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین:

در تعریف مفرد، مقید، مرکب می‌توان گفت:

«- مفرد: تصوّر و تصویر یک هیئت و یک چیز است.

- مقید: تصویر و تصوّر مفردی است که مقید به قیدی باشد.

- مرکب: هیأت منتزع از چند چیز است با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توأمان نقش داشته باشند.» (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۴۰)

برای اینکه در تشخیص مرکب بودن یا مقید بودن تشبیه دچار اشتباه نشویم لازم است بدانیم که مرکب ترکیبی است از چند چیز کنار هم، که همگی باهم و در کنار هم مشبه، مشبه به هستند آنچنان که یکی بدون وجود دیگری نمیباشد. در حالی که مقید یک چیز است که راجع به آن توضیحاتی داده میشود. (دو طرف به هم حالت اضافی دارند).

انواع تشبیه از جهت وجود یا عدم وجود ادات تشبیه:

الف- تشبیه مرسل = صریح:

اگر ادات تشبیه که یکی از چهار رکن تشبیه است در جمله ذکر شود تشبیه را مرسل (یا صریح) میگویند.

ب- تشبیه موکّد:

اگر شاعر ادات تشبیه را ذکر نکند تشبیه موکّد است. دکتر شمیسا بر این نظرند که: «اگر ادات تشبیه ذکر نشود کلام طبیعیت‌تر جلوه مینماید و گویی شاعر از ابراز تشبیه استفاده نکرده است.» (شمیسا، ۱۳۷۴، ص ۶۰)

انواع تشبیه از جهت ذکر یا حذف وجه شبه:

الف- تشبیه مفصل:

تشبیهی را که در آن ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به در یک کلمه، یا جمله به تفصیل ذکر شود تشبیه مفصل گویند.

ب: تشبیه مجمل:

تشبیهی که در آن ویژگی بین مشبه و مشبه به ذکر نشود و شاعر کشف این ویژگی را به عهده خواننده بگذارد، تشبیه مجمل نامیده می‌شود.

یا آن مانند زنان روسپی نقد آبرو را به جهت هر مفت غازه‌گری در بها دهد. (ب ۵)

مشبه: مرد (مفرد) مشبه به: زنان روسپی (مقید) وجه شبه: بی‌آبرویی ادات تشبیه: مانند

از نظر حسی و غیرحسی: حسی به حسی

از نظر مفرد و مقید: مفرد به مقید

از نظر ذکر یا حذف وجه شبه: تشبیه مفصل

از نظر ذکر یا حذف ادات تشبیه: مرسل (صریح)

نه آنست که مانند سرتراشان لنگ طمع را در پیش هر کس گشاده. (ب ۵/ ب ۲۰)

مشبه: مرد (مفرد) مشبه‌به: سرتراشان (مقید) وجه‌شبه: طمع ورزیدن ادات تشبیه: مانند

از نظر حسی و غیرحسی: حسی به حسی

از نظر مفرد و مقید: مفرد به مفرد

از نظر ذکر یا حذف وجه‌شبه: تشبیه مفصل

از نظر ذکر یا حذف ادات تشبیه: تشبیه مرسل (صریح)

کله آدمی در میان آن عظام رمیم مانند توتیای نرم گردیده است. (ب ۶)

مشبه: کله آدمی مشبه‌به: سرتراشان (مقید) وجه‌شبه: نرم شدن ادات تشبیه: مانند

(مقید)

از نظر حسی و غیرحسی: حسی به حسی

از نظر مفرد و مقید: مقید به مقید

از نظر ذکر یا حذف وجه‌شبه: تشبیه مفصل

از نظر ذکر یا حذف ادات تشبیه: تشبیه مرسل (صریح)

توتیاسا شدی امروز تو در زیر کلنگ. (ب ۶)

مشبه: تو (مفرد) مشبه‌به: توتیا (مفرد) وجه‌شبه: سیاهی ادات تشبیه: سا

از نظر حسی و غیرحسی: حسی به حسی

از نظر مفرد و مقید: مفرد به مفرد

از نظر ذکر یا حذف وجه‌شبه: تشبیه مجمل

از نظر ذکر یا حذف ادات تشبیه: تشبیه مرسل (صریح)

قاروره‌سان و جامه سوزان چون برق جهنده برکنار جست. (ب ۹)

مشبه: او (مفرد) مشبه‌به: برق جهنده (مقید) وجه‌شبه: جهیدن ادات تشبیه: چون

مشبه‌به: قاروره (مفرد)

مشبه‌به: جامه‌سوزان (مقید)

از نظر حسی و غیرحسی: حسی

به حسی

از نظر مفرد و مقید: مفرد به

مفرد

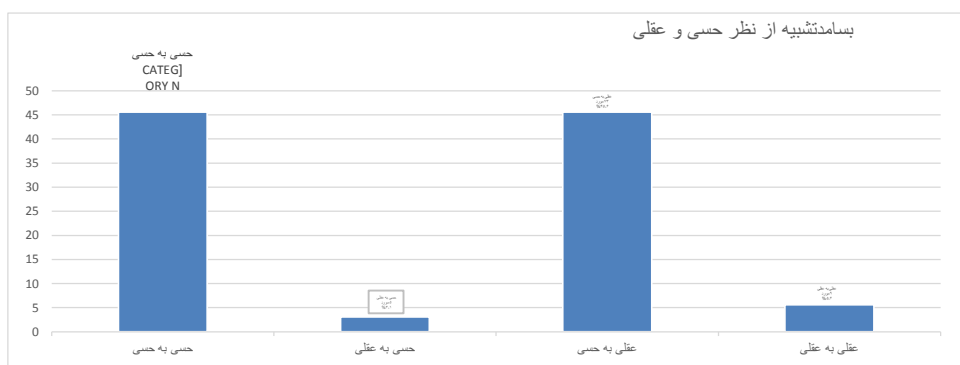
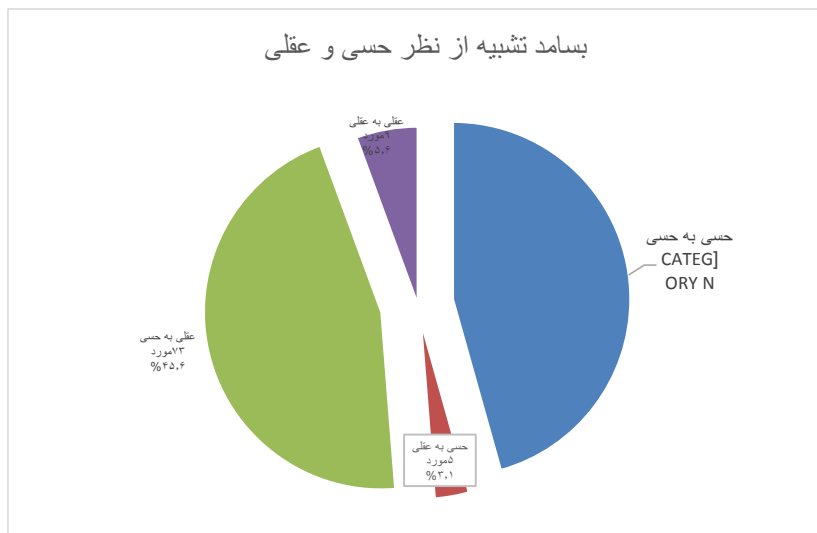
از نظر ذکر یا حذف وجه‌شبه:

تشبیه مجمل

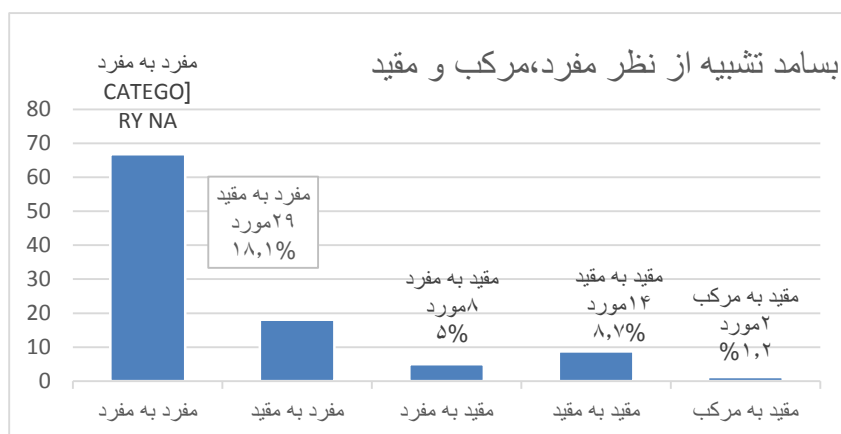
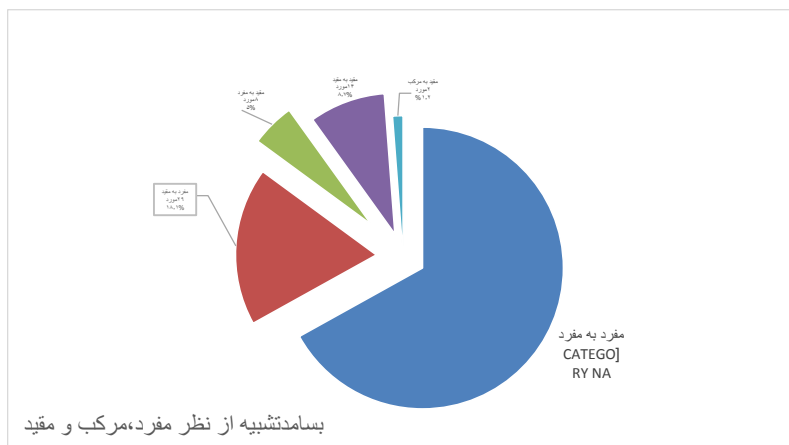
از نظر ذکر یا حذف ادات تشبیه:

تشبیه مرسل (صریح)

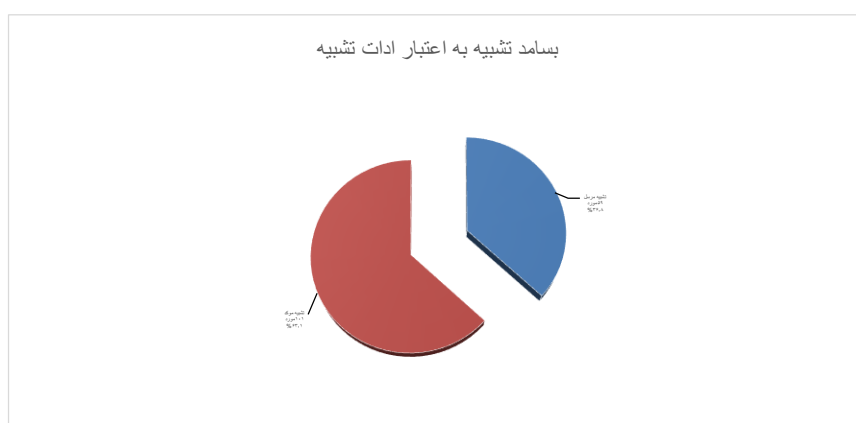
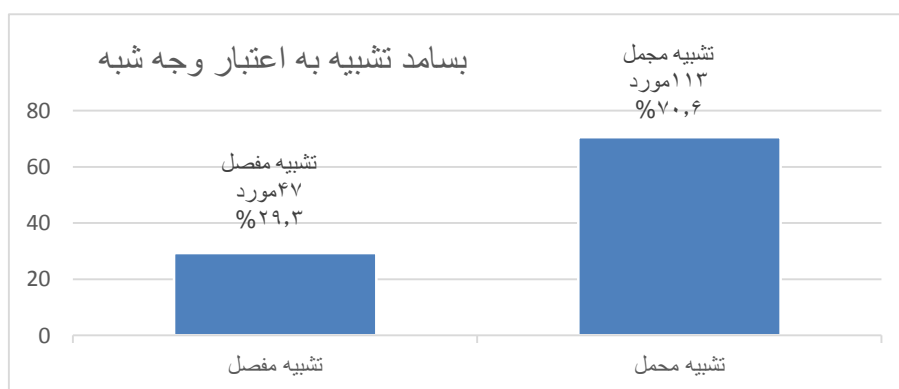
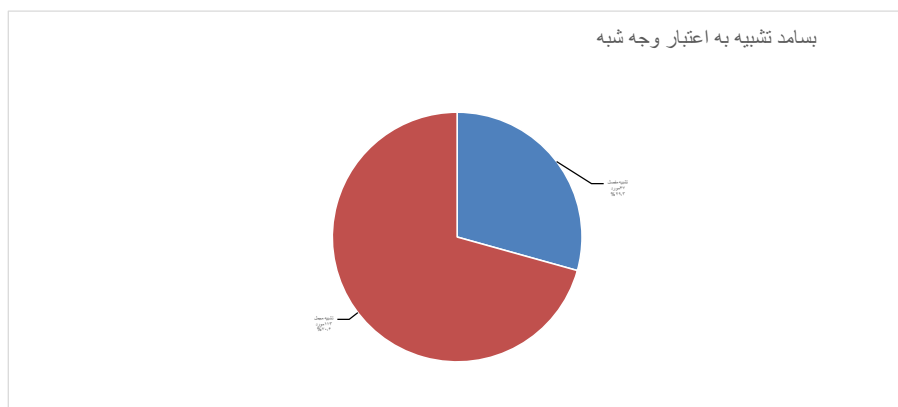
نمودار تشبیه (۴) حسی و عقلی



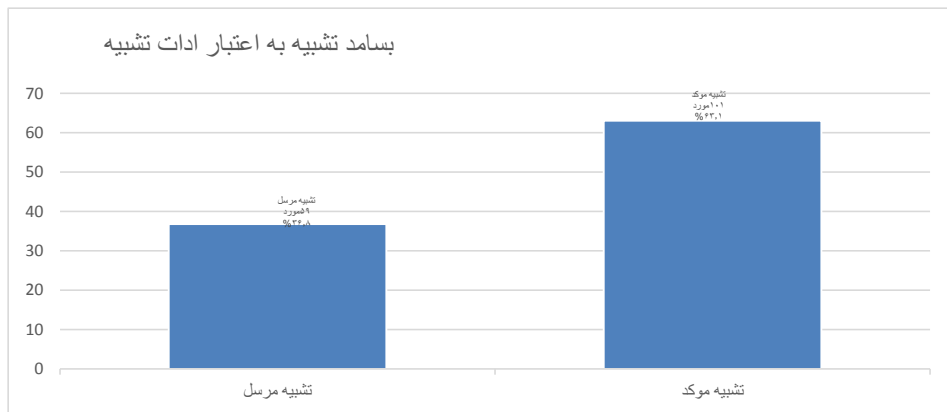
نمودار شماره (۵) تشبیه از نظر مفرد، مرکب و مقید



نمودار شماره (۶) تشبیه به اعتبار وجه شبه



نمودار شماره (۷) تشبیه به اعتبار ادات تشبیه



نتایج آماری نشان داد که بسامد تشبیه مفرد به مفرد از انواع دیگر بیشتر و مقید به مرکب از انواع دیگر کمتر است. این امر نشان دهنده ترجیح سبکی نویسنده برای سرعت، وضوح و ایجاز در کنار نشانه‌گذاری دقیق است. این الگو با تحلیلهای قبلی در تشبیهات حسی، ارتباط دارد و ساختار زبان و عظمی و آموزشی متن را تقویت میکند. از ویژگی‌های تشبیه مفرد به مفرد میتوان به ایجاد، سرعت انتقال، صراحت و ضرب آهنگ بالا اشاره کرد. در مقابل ویژگی‌های تشبیه مقید به مرکب عبارتند از: پیچیدگی، عمق تصویرسازی، نیاز به تأمل بیشتر و کندی ضرب آهنگ، غلبه تشبیه مفرد به مفرد نسبت به تشبیه‌های دیگر میتواند چند دلیل عمده داشته باشد.

اولویت وضوح بر پیچیدگی:

تشبیه مفرد به مفرد، مستقیم‌ترین و بی‌ابهام‌ترین نوع تشبیه است. نویسنده در وهله اول تلاش دارد تا مفاهیم را سریع و صریح به ذهن مخاطب برساند نه آنکه او را درگیر رمزگشایی یک تصویر مرکب پیچیده کند.

ایجاد ضرب آهنگ (ریتم) بالا:

در متون وعظی و ارشادی، نویسنده تمایل دارد مفاهیم متعدّد را در فواصل کوتاه به مخاطب ارائه دهد. تشبیهات مفرد با طول کم، به این سرعت کلام و قدرت اقناع سریع کمک میکنند.

هماهنگی با سبک تعلیمی:

این تشبیهات برای تعریف و تعیین مرز مفاهیم، بهترین گزینه هستند. نویسنده میخواهد سریعاً مشبه را با یک نشانه واضح (مشبه‌به) مشخص کند.

بسامد پایین تشبیه مقید به مرکب نیز دلایل متقابلی با غلبه تشبیه مفرد به مفرد دارد؛ از جمله:

اجتناب از تعقید (پیچیدگی):

تشبیهات مرکب، تصویری طولانی و چند وجهی میسازند که فهم و تحلیل آن، نیاز به زمان و تمرکز بیشتری دارد. هشتروندی با لحن قوی و مستقیم، از این پیچیدگی دوری کرده است.

عدم نیاز به تفصیل زیاد:

تشبیه مقید به مرکب، معمولاً برای بیان یک کیفیت خاص و نادر به کار می‌رود. اگر نویسنده در تلاش است که بیشتر بر روی مفاهیم پایه اخلاقی و انتقادی تمرکز کند، نیازی به این سطح از جزئیات در تصویرسازی ندارد. تمرکز بر عمل، نه تأمل:

تشبیه مرکب، خواننده را به تأمل بصری دعوت میکند در حالی که هدف اصلی متن، تحریک مخاطب به عمل و تغییر رفتار است، تشبیه مفرد به سرعت پیام را میرساند و خواننده را به ادامه متن و عمل فرا میخواند. غلبه بسامد تشبیه مؤکد به تشبیه مرسل، یکی از مهمترین شاخص‌های سبکی بلاغی در متون ارشادی و تعلیمی است. این انتخاب نشانگر ترجیح هشترودی بر تأثیرگذاری قوی، اطمینان بخشی و نزدیکی معنایی بیشتر بین طرفین تشبیه است. بسامدهای تشبیه مؤکد از چند جهت قابل بررسی است:

به جهت بلاغی

الف- تقویت اتحاد و هویت بخشی: حذف ادات تشبیه باعث میشود که پیوند میان مشبه و مشبه‌به، بسیار قوی‌تر احساس شود.

ب- افزایش قطعیت و تأکید: در سبک وعظی، نویسنده تلاش میکند تا حقایق را با قطعیت و قدرت، بیان کند. استفاده از تشبیه مؤکد، لحن کلام را قاطع‌تر و مستدل‌تر میسازد. لذا مخاطب بدون لحظه‌ای درنگ یا شک، رابطه میان دو مفهوم را میپذیرد. این، یک ابزار کلیدی برای تحریک قوری مخاطب به پذیرش پیام اخلاقی است.

ج- ایجاد و سرعت انتقال: حذف ادات تشبیه مانند حذف وجه شبه، به کوتاه‌تر شدن کلام و تقویت ایجاز کمک میکند.

همپوشانی با استعاره

غلبه تشبیه مؤکد نشان میدهد که نویسنده عمداً مرز میان تشبیه و استعاره را کمرنگ کرده است. در واقع تشبیه، مؤکد، پلی به سوی استعاره است.

یافت‌های آماری بین تشبیه مفصل و مجمل، نشانگر غلبه بسامد تشبیه مجمل بر تشبیه مفصل است. این امر از جهت دیدگاه بلاغی و روان‌شناسی مخاطب، بسیار معنادار است و نشان دهنده ترجیح سبکی هشترودی برای ایجاد، عمق هنری و مشارکت فعال خواننده است. غلبه تشبیه مجمل از جهت بلاغی، پیامد مهم سبکی دارد:

الف- تأکید بر ایجاز:

حذف وجه شبه، کلام را کوتاه‌تر و موجزتر میکند. در یک متن ارشادی و وعظی مثل «تذکره النصایح» که هدف، انتقال سریع و مؤثر مفاهیم است، ایجاز یک امتیاز بزرگ محسوب میشود با این غلبه، نویسنده از اطناب پرهیز میکند و سریعاً به اصل مطلب میپردازد. این ویژگی با یافته‌های قبلی (غلبه تشبیه مفرد به مفرد) کاملاً هماهنگ است.

ب- ایجاد عمق و زیبایی هنری:

تشبیهی که وجه شبه آن حذف شده است، زیباتر و هنریتر به نظر میرسد. این امر به دو دلیل است: کشف لذت بخش: خواننده خود باید رابطه بین مشبه و مشبه‌به را کشف کند. این درگیری ذهنی، لذت کشف را برای او به همراه دارد و تأثیر کلام را ماندگارتر میکند.

شمول و گستردگی معنا: وقتی وجه شبه حذف میشود، تشبیه میتواند به چندین وجه مشترک اشاره داشته باشد. این شمول معنایی، قدرت بلاغی و تأویل‌پذیری متن را افزایش می‌دهد.

ج - اعتمادسازی و افزایش قدرت اقناع:

نویسنده‌ای که بیشتر از تشبیه مجمل استفاده میکند، به طور ضمنی به مخاطب خود اعتماد دارد که بدون راهنمایی مستقیم (ذکر وجه‌شبهه)، میتواند ارتباط را درک کند.

با بررسی انواع تشبیه موجود در نسخه خطی چنین دست داد که تشبیه حسی به حسی برابر با تشبیه عقلی به حسی (هر دو به تعداد ۷۳ مورد) با ۴۵/۶٪ از بسامد بالایی برخوردارند. هدف از تشبیه حسی به حسی، ایجاد تصویرسازی روشن، ملموس و قابل ترک سریع است. تشبیه عقلی به حسی نیز با هدف عینی کردن و مجسم ساختن مفاهیم پیچیده و انتزاعی برای فهم عموم به کار میرود. بسامد بالای این دو نوع تشبیه از چند جهت قابل بررسی است:

الف: تأکید بر تأثیرگذاری حسی (تکنیک وعظ)

همدلی با عامه مردم: در یک بافت وعظی‌وار شادی، نویسنده میداند که مخاطب برای پذیرش مفاهیم، نیاز به تصویرسازی قدرتمند دارد. تشبیه حسی به حسی و تشبیه عقلی به حسی، هر دو به سمت قلمرو حواس می‌ایند.

ب: توصیف مفاهیم ملموس:

تشبیه حسی به حسی مفاهیم ملموس را با قدرت و زیبایی بیشتر توصیف میکند تا خواننده به سرعت در محیطی که توصیف میشود، قرار بگیرد.

ج: تأثیر عمیق فلسفی و اخلاقی

تشبیه عقلی به حسی، مفاهیم عمیق فلسفی و اخلاقی را از آسمان انتزاع پایین می‌آورد و آن‌ها را به اشپای روزمره تبدیل میکند. این انتقال، فهم عمیق‌ترین مباحث را برای مخاطب غیرمتخصص نیز، امکان‌پذیر می‌سازد.

هشترودی با تشبیهات حسی به حسی بر قدرت توصیف و تبیین قابل رویت و با تشبیهات عقلی به حسی، بر توانایی خود در تبدیل مفاهیم سنگین به تصاویر سبک، قابل هضم و زیبا تمرکز کرده است.

استعاره

«استعاره در لغت به معنی عاریه‌خواستن و در اصطلاح علم بیان، استعاره آنست که لفظی در غیرمعنی حقیقی آن به کار رود؛ بدانگونه که میان معنی حقیقی و معنی مجازی (غیرحقیقی) آن علاقه مشابَهت باشد، قرینه‌ای که مانع از اراده معنی حقیقی است در آن وجود داشته باشد.» (صادقیان، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱)

به سخن دیگر «استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین آن حذف شده باشد یا مجازی است یا علاقه مشابَهت با وجود قرینه‌ای که ذهن را از معنی حقیقی دور کند و به معنی مجازی برساند.» (علوی‌مقدم - اشرف‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱)

میتوان چنین گفت که استعاره و تشبیه در اصل یکی هستند و استعاره، تشبیهی فشرده می‌باشد، بدین معنی که در اثر فشردن، یکی از طرفین خود را، از دست داده است.

«استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقّاشی کلام است که زبان شعر را بسیار قویتر و رساتر میکند و شنونده را از حالت عادی کلام به اوج اندیشه‌های باریک و عاطفی میکشاند. از این جهت عادیترین صورت خیال و کشف شاعرانه است.» (همان: ص ۱۱۷)

استعاره بر دو نوع است:

استعاره مصرّحه

استعاره مکنّیه

استعاره مصرّحه: در صورتی که «مشبه» از ساختار تشبیه حذف شود و «مشبه‌به» به تنهایی به کار برود به آن «استعاره مصرّحه» می‌گویند. در استعاره مصرّحه، کلمه مستعار همان مشبه‌به است. در کتاب‌های ادبیّات فارسی، استعاره مصرّحه را «استعاره آشکار»، «استعاره تصریح»، «استعاره تحقیقه» و «استعاره محقّقه» نیز نامیده‌اند. نتایج حبّ دنیا به جز این نیست که دل بر جیفه او بسته (ب ۶)

جیفه: استعاره مصرّحه از دنیا

سرخیل کاروان شارع بقا و دلیل گمگشتگان شافع روز جزا (ب ۱۵)

استعاره مکنّیه

استعاره مکنّیه: در این نوع استعاره بر خلاف انواع استعاره‌های قبلی، شاعر مستعارله (مشبه) را ذکر میکند و مستعارمنه را، به جاننداری تشبیه ساخته و با حذف آن، یکی از لوازمات مستعارمنه، را در جمله ذکر میکند و به مستعارله اسناد میدهد؛ در این استعاره شاعر به کمک خیال‌پردازی شاعرانه، برای موجودات بی‌جان طبیعت، جان و یا چیزی که مختصّ موجود جاندار است، قایل میشود.

از این روست که بلغا قدیم این استعاره را استعاره مکنّیه تخیلیّه نامیده‌اند. دکتر شفیع کدکنی در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» تشبیهی تحت عنوان تشبیه استغنا با این تعریف «آنست که با آوردن مشبه از مشبه‌به بی‌نیاز باشیم.» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۵، ص ۶۳) ذکر کرده‌اند که در این قسمت به لحاظ آمدن مشبه و حذف مشبه‌به به نظر میرسد که با استعاره مکنّیه مطابقت داشته باشد.

تخیل و خیال‌انگیزی جز جدایی‌ناپذیر این استعار می‌باشد. حزن در دیوان خود، از این نوع استعاره با بسامد بسیار بالا بهره برده است.

فرمول: ذکر مستعارله (مشبه) + حذف مستعارمنه (مشبه‌منه) + یک یا چند مورد از لوازم مستعارمنه

سیره‌روی تکلم را به سفید آب فضلش صبح الوجهی داده (ب ۲/ ب ۱۸)

سیره‌روی

نفس آمالی آمانی در ملک بدن گمراه گشته (ب ۵)

نفس

استعاره مصرّحه حالتی است که مشبه (موضوع اصلی) در کلام ذکر شده، اما مشبه‌به (چیزی که به آن شبیه شده) به صراحت آورده شده است. در واقع نویسنده به جای موضوع، مستقیماً نام چیزی را می‌آورد که شبیه به آن است. اما استعاره مکنّیه، حالتی است که مشبه‌به (طرف تشبیه) حذف شده و نویسنده تنها چیزی از لوازم یا ویژگی‌های آن مشبه‌به را ذکر میکند و با این کار، مشبه را در ذهن مخاطب مجسم می‌سازد.

نکته مهم در بررسی دو نوع استعاره در نسخه حاضر، تقریباً برابر بودن تعداد این دو نوع استعاره (۱۱ مورد استعاره مصرّحه و ۱۲ مورد استعاره مکنّیه) است. این توازن، نشان دهنده یک سبک نگارشی بسیار متعادل و مسلط است. این برابری نشان میدهد که هم با صراحت سخن می‌گوید و هم با اشاره. نویسنده از ۱۱ مورد استعاره مصرّحه، حقیقت عریان را در لفافه‌ای از یک شیء دیگر می‌پیچد و آن را به مخاطب ارائه میدهد. این روش برای مفاهیم اخلاقی و اجتماعی مستقیم بسیار کارآمد است؛ زیرا مستقیماً منظور را به ذهن می‌آورد. از سوی دیگر، نویسنده با ۱۲ مورد استعاره مکنّیه استفاده کرده است که برای مفاهیم حکمت‌نظری و کلامی که لطیف و پیچیده هستند، ایده‌آل است؛ زیرا خواننده را وادار به فعالیت ذهنی بیشتری میکند تا مشبه‌به محذوف را کشف کند.

در واقع هشتروندی در اخلاق عملی و نقد اجتماعی از استعاره مصرّحه برای بیان مستقیم رذایل اخلاقی یا وضعیت سیاسی جامعه استفاده میکند و در حکمت نظری کلامی از استعاره جامعه استفاده میکند و در حکمت نظری کلامی از استعاره مکنیه برای توصیف مفاهیم عالی و انتزاعی با حذف طرف تشبیه برای ایجاد رمز و راز بهره میگیرد.

مجاز

«مجاز عبارت است از کاربرد واژه در غیرمعنی اصلی و ما وضع‌له که برای رسیدن به معنی مجازی و عدول از معنی حقیقی باید مناسبتی با علاقه‌ای بین معنی حقیقی و معنی مجازی وجود داشته باشد تا ذهن بتواند به مفهوم مورد نظر برسد.» (علوی مقدّم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸)

مجاز دو شرط عمده و اصلی دارد: یکی این که بین معنی مجازی و معنی حقیقی حتماً باید علاقه و مناسبتی باشد و دیگر اینکه لازم است در مجاز قرینه‌ای باشد که ذهن را از معنی اصلی دور و به معنی مجازی نزدیک کند. در قدیم مجاز را به چهار نوع: شرعی، عرفی، عقلی و لغوی تقسیم کرده‌اند.

مرد آنست که همیشه باید حال احتضار و فشار قبر و ... را فراموش نکند. (ب ۷)

دست بر زلف معتبر کرده از بیخ برمی‌کند. (ب ۱۰)

کنایه

کنایه در لغت عبارت است از پوشیده سخن گفتن و بیان مطلب به صورت غیرمستقیم. «اما در زبان هنر عبارت است از ایراد لفظ معنی غیرحقیقی، آن گونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد.» (تجلیل، ۱۳۷۰، ص ۸۴)

و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد، و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند.» (همایی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۶)

در کنایه، گوینده چنان سخن میگوید که ذهن شنونده، علاوه بر معنی نزدیک به معنی دور جمله گفته شده نیز، گریزی میزند.

نقش کنایه

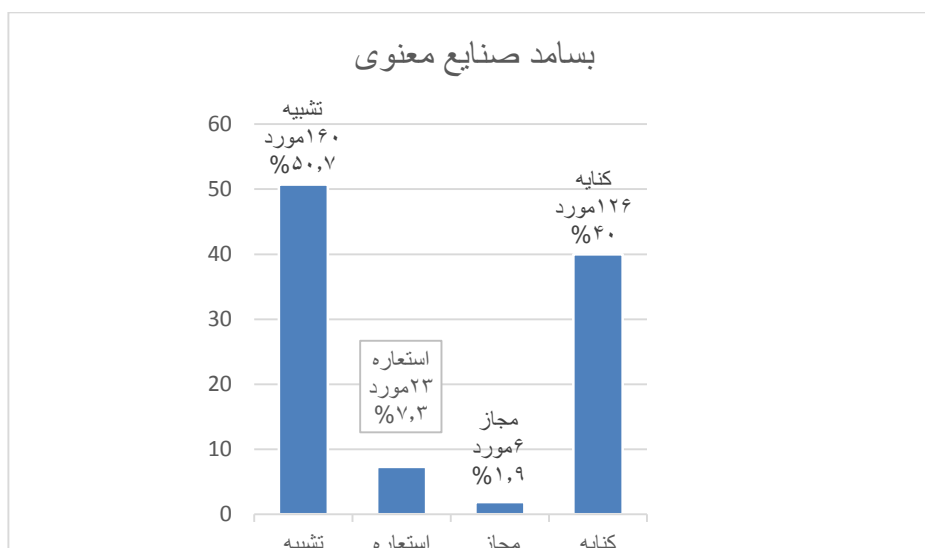
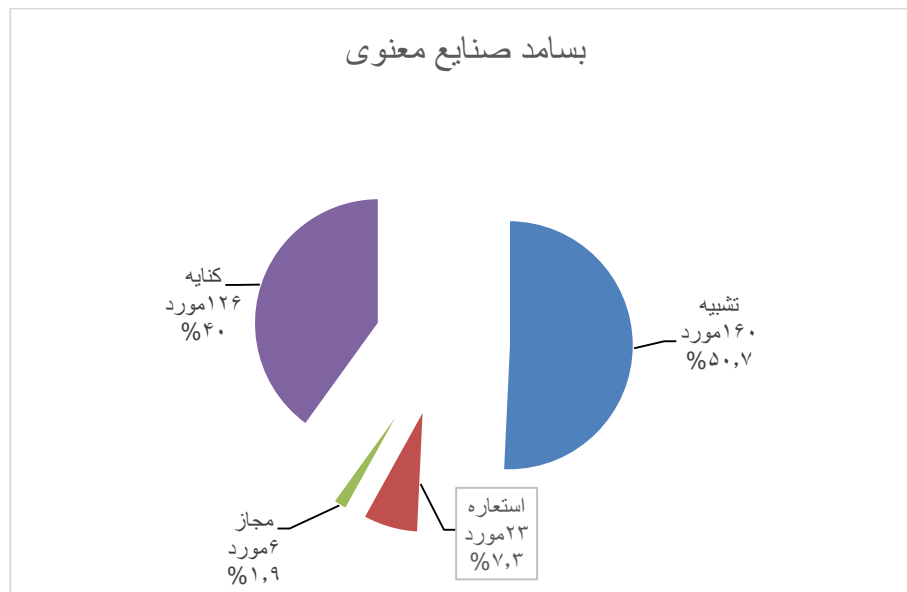
«به نظر دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب کثرت کنایه و رمز در آثار یک دوره غالباً نمودار حس ترس و وحشت در احوال عامه با یک طبقه از مردم جامعه میباشد.» (میرزانی، ۱۳۸۲، ص ۸۶۹)

دری لب را واگشاده: کنایه از سخن آغازیدن (ب ۲)

بر ایثار آثار صنعش زبان بسته: زبان بستن کنایه از خاموش کردن (ب ۲)

به خوان لایغلق باب التوبه حتی تطلع الشمس من مغربها صلا زده: صلا زدن کنایه از دعوت کردن

نمودار شماره (۷) بسامد صنایع معنوی



سلسله مراتب اولویتهای بلاغی هشرودی در «تذکره‌النصایح» عبارتند از: تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز. این الگو نشان میدهد که نویسندگان به دنبال بیانی است که در ابتدا صریح و واضح باشد، سپس به سمت تصویرسازی غیرمستقیم حرکت کند و از پیچیدگی و ابهام دوری کند. در این سلسله مراتب، از شفافترین سطح بیان (تشبیه) به مهمترین سطح (مجاز) مرتب شده است. تشبیه بر اولویت مطلق وضوح و مستقیم بودن بیان، دلالت دارد. تشبیه، تخلفترین ابزار بلاغی است و غلبه آن نشان میدهد که پایه و اساس گفتار هشرودی بر بیان مستقیم اصول و مفاهیم اساسی بنا شده است.

کنایه بر انتقال به مرحله بیان غیرمستقیم با حفظ درک آسان، دلالت دارد. کنایه به مخاطب اجازه میدهد تا منظور را با کمی درنگ دریابد. این انتقال از وضوح محض (تشبیه) به اشاره، نشان میدهد که نویسنده میخواهد متن خود را از حالت صرفاً تعلیمی خارج کرده و به آن چاشنی ظرافت و زیبایی کلامی دهد، بدون اینکه بار فهم را بیش از حد سنگین کند.

استعاره از تصاویر عمیق‌تر، اما با ریسک ابهام بالاتر دلالت دارد. استعاره نسبت به تشبیه و کنایه، نیاز به فعالیت ذهنی بیشتری دارد.

قرار گرفتن استعاره در رتبه سوم، نشان میدهد که هشرودی از این ابزار برای ایجاد تصاویر قوی استفاده کرده، اما نمیخواهد این تصاویر، بنیان اصلی کلام را تشکیل دهند. مجاز به حداقل استفاده از ابزار بیان غیرمستقیم مبتنی بر رابطه غیرشبهاهتی دلالت دارد. در مجاز، رابطه شباهت نیست. این نشان میدهد که وی عمدتاً به روابط شبهاهتی برای انتقال مفاهیم خود تکیه دارد و از روابط منطقی و قراردادی کمتر استفاده میکند.

سطح فکری

با توجه به بابه‌های متنوع نسخه میتوان به سطح فکری مؤلف در حوزه عمیق و اساسی پرداخت که عبارتند از:

۱- جهان‌شناسی صوفیانه

طرح شش عالم در باب عالم به ویژه چهار عالم لاهوت، ملکوت، جبروت و ناسوت که نظام فکری صوفیان و حکمای اسلامی را تشکیل میدهند، نشان دهنده تسلط نویسنده بر مبنای جهان‌شناسی صوفیانه و حکمت اشراقی است. این مفاهیم از عالم لاهوت به عنوان هستی مطلق تا ناسوت به عنوان جهان مادی محسوس از سطح اندیشه عامه فراتر رفته و اثر را در رده متونی قرار میدهد که با هدف تبیین مراتب هستی برای خواننده خاص‌تر که به دنبال سلوک معنوی است، نوشته شده‌اند.

۲- معرفت‌شناسی دینی

باب دوم و سوم بر معرفت و عبادت تأکید دارد و نشان می‌دهد که هدف نهایی اثر، ارتقای خواننده به مرتبه معرفتی بالاتر است. پرداختن به پیامبر و امیرالمؤمنین نشانگر یک گرایش شیعی قوی در مؤلف است که معرفت امام و جایگاه ولایت را در کنار نبوت قرار داده و آن را بخش حیاتی از ایمان تلقی میکند. این رویکرد از جهت نصایح دینی - اخلاقی با بنیاد کلامی شیعی قابل اهمیت است.

۳- بُعد اخلاقی و حکمت عملی

بخش اعظم نسخه بر تنظیم زندگی فردی و اجتماعی و ترویج فضایل و مذمت رذایل تمرکز دارد که هسته اصلی ادبیات تعلیمی و حکمت عملی را تشکیل میدهد. این موارد در چند شاخه قابل بررسی هستند:

الف: تمرکز بر فضایل و رذایل اخلاقی

باب‌های متعددی صرفاً به توصیف رذایل و فضایل رایج میپردازد که موضوعات محوری در کتب اخلاقی اسلامی از جمله اخلاق ناصری و جامع‌السعادات هستند. از جمله باب یازدهم در ذکر فضایل (در بیان سباحت سخاوتمندان و حلاوت قناعت‌کنندگان) و باب‌های ششم (در بیان ذل طمع)، دوازدهم (در بیان خجالت متکبران و سزای تهمت‌کاران)، (در بیان مذلت پرخواران و ندامت غضب‌کیشان) و ... که این باب‌ها، گرچه در چارچوب سنت اخلاقی هستند، اما با تمرکز بر مسائل روزمره مانند: طمع، خشم و سخاوت، نشان میدهند که هدف مؤلف، ارائه

دستورالعمل‌های قابل اجرا برای عموم مردم بوده است. بیان عاقبت این صفات با هدف تربیت اخلاقی و اجتماعی خواننده صورت گرفته است.

ب- آداب اجتماعی و تنظیم تعاملات

باب‌های چهارم (در ذکر الفت مردم جهان)، هفتم (در بیان فضاحت بی‌ادبان)، هشتم (در بیان ملامت بی‌حیایان و کید زنان سلیطه‌بنیان) و نهم (در بیان عاقبت طلسم‌کنندگان و مقاومت کهتر با مهتر)، نشان‌دهنده توجه به نظم طبقاتی و سلسله‌مراتب اجتماعی دوره قاجار است. نویسنده تلاش کرده تا آداب صحیح تعامل بین افراد از جمله نحوه برخورد با افراد فرودست و فرادست و اصول همزیستی را آموزش دهد. اشاره به کید زنان سلیطه، یک مضمون رایج اما انتقاد برانگیز در ادبیات کهن است که نشان‌دهنده تعصبات فرهنگی و هشدارهای اخلاقی خاص جامعه زمان مؤلف است و سطح فکری متن را به سنت‌های رایج اجتماعی پیوند می‌زند.

۴- بعد کاربردی، دانشی و هشدار دهنده

باب پنجم و نهم و ... سطح فکری مؤلف را از حوزه صرفاً اخلاق به حوزه دانش‌های کاربردی و همچنین مقابله با خرافات میکشاند.

الف- ارزش علم و صنعت:

باب پنجم (در باب علم و صنعتگران) نشان‌دهنده توجه عملی مؤلف به اقتصاد و تولید است. در دوره‌ای که تفکر صرفاً نظری بر بسیاری از متون غالب بود، این باب بر اهمیت مهارت‌های عملی و نقش مثبت مهارت و صنعت در جامعه تأکید دارد. این رویکرد یک گام عملی و عمل‌گرایانه در تفکر نویسنده محسوب می‌شود.

ب- خرافه‌شناسی و روان‌شناسی عامه:

بخشی از باب نهم (در بیان عاقبت طلسم‌کنندگان) و بخشی از باب دوازدهم (سزای تهمت‌کاران) و مطالب پایانی در خصوص چگونگی خواب از این دسته‌اند.

پرداختن به عاقبت طلسم‌کنندگان نشان می‌دهد که مؤلف به‌طور مستقیم به مسایل خرافاتی و جادویی که در جامعه رواج داشته، پرداخته و با هدف تربیت دینی به مذمت و تعیین عاقبت آنان می‌پردازد. این اقدام نشان‌دهنده تلاش برای پاک‌سازی محیط اخلاقی جامعه از باورهای زیانبار است.

چگونگی خواب نیز به موضوعی مرتبط با روان‌شناسی، سلامت و تعبیر رویا می‌پردازد که در فرهنگ‌های اسلامی و ایرانی همواره مورد توجه بوده است و نشانگر توجه نویسنده به ابعاد ذهنی و جسمی انسان است.

نتیجه‌گیری

«تذکره‌النصایح» از نظر سطح فکری، یک سطح ترکیبی و جامع است و یک اثر اخلاقی-عرفانی محسوب می‌شود که برای تزکیه نفس و ارائه دستورالعمل‌های زندگی فردی و اجتماعی به کار می‌رود. از نظر شناختی به‌طور همزمان، عمیق‌ترین مفاهیم عرفان نظری (لاهورت و جبروت) را با توصیه‌های روزمره مانند قناعت و دوری از طمع، درهم می‌آمیزد. جامعیت حاکم بر اثر، اجازه می‌دهد تا این اثر برای طیف وسیعی از مخاطبان (خواص به دلیل مباحث لاهوت و ملکوت، عوام به دلیل مباحث مربوط به اخلاق عمومی، صنعتگران و نقد طلسم‌کنندگان) جذاب باشد. لذا «تذکره‌النصایح» از نظر فکری در جایگاهی قرار می‌گیرد که میکوشد نظریات الهیاتی و عرفانی را به یک سیستم اخلاق کاربردی پیوند دهد تا زندگی فرد قاجاری را بر اساس اصول اسلامی و عرفانی سامان دهد. این ویژگی دوگانه، ارزش تحلیل این متن را در سبک‌شناسی و تاریخ‌اندیشه دوره قاجار دوچندان می‌کند.

تعداد تقریباً مساوی استعاره مصرحه و مکنیه، نشان می‌دهد که هشترودی، یک بدیهه‌گوی بلاغی مسلط است. او نه تنها در بیان مستقیم مفاهیم و انتقادی مهارت دارد، بلکه به همان اندازه در به‌کارگیری فنون پیچیده‌تری برای رمزگذاری مفاهیم کلامی و حکمی، توانمند است. این تعادل سبب شده که متن از یکنواختی دور شود و در عین آموزنده بودن، خواننده را درگیر رمزگشاییهای هنر نماید.

برابری تشبیه حسی به حسی و عقلی به حسی و بسامد بالای آنها، نشان دهنده یک روش تدریس و وعظ بسیار موفق است. مؤلف، هم محیط و شرایط عینی (حسی به حسی) را به طور ملموس تصویر کرده و هم مفاهیم پیچیده فکری و کلامی (عقلی) را به همان میزان با ابزارهای حسی برای مخاطب خود، ملموس نموده است تا حداکثر درک و تأثیر اخلاقی حاصل شود.

از آنجا که سبک نویسنده، سبک ارشادی - تعلیمی است که بر ایجاز، سرعت، وضوح و پرهیز از اطناب متکی است، تشبیه مفرد به مفرد ابزار اصلی او برای این منظور است و از تصاویری که نیازمند تأمل طولانی هستند مانند تشبیه مقید به مرکب، اجتناب میکند.

غلبه تشبیه مجمل، مهر تأییدی بر این نکته است که هشترودی، یک استراتژیست بلاغی بوده است. هدف او تنها آموزش و تبیین محض نبوده است که مستلزم غلبه تشبیه مفصل بود، بلکه او به دنبال اقتناع عاطفی و زیبایی‌شناسی نیز بوده است تا تأثیر اخلاقی پیام خود را دوچندان کند. او با این کار، مخاطب را از یک شنونده منفعل که فقط توضیح صریح را دریافت میکند به یک مفسر فعال تبدیل میکند که با متن همراه میشود. مشارکت فعال، قدرت اقتناع و پذیرش مفاهیم اخلاقی و انتقادی را به شدت بالا میبرد.

کاربرد بیشتر تشبیه مؤکد، نشانگر یک انتخاب آگاهانه برای تولید پیام قاطع و با اعتماد به نفس است. هشترودی میخواهد مفاهیم را نه به صورت مقایسه‌ای یا تفصیلی، بلکه به صورت حقایق مسلم به مخاطب برساند تا تأثیر وعظی و ارشادی متن به حداکثر برسد. این شیوه، ابزاری قدتمند برای یک متن با هدف اقناعی و تربیتی است. بر اساس سلسله مراتب تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز، میتوان سبک هشترودی را به صورت زیر خلاصه کرد:

سبک هشترودی، سبک معتدل است؛ چون:

- ۱- پایه و اساس بر وضوح است (غلبه تشبیه). نویسنده در درجه اول نگران این است که پیامش فهمیده شود.
- ۲- تمایل به ظرافت (رتبه دوم کنایه): هشترودی از زیباییهای کنایی و اشاره‌ای استقبال میکند تا متن از خشکی فاصله بگیرد.

- ۳- استفاده محدود از ابزارهای پیچیده (رتبه پایین استعاره و مجاز): هشترودی از ابزارهای پر قدرت اما پر ریسک مانند استعاره و مجاز، تنها در صورت لزوم استفاده میکند و آنها را به عنوان ابزار اصلی بیان برنمیگزیند. در یک کلام او درک کرده که برای تأثیرگذاری ماندگار، باید از زبانی شفاف، اما هنرمندانه استفاده کند نه زبانی که تنها متخصصان بلاغت بتوانند آن را رمزگشایی کنند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی استخراج شده است. سرکار خانم دکتر آیت شوکتی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم صونا حاجی محمدی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر فرهاد فلاحت‌خواه به عنوان استاد مشاور در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش مشارکت داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmadnejad, Kamel, (2003), Meanings and Expression, Tehran: Zovar, p. 26
Eslami Nadushan, Mohammad Ali, (1991), Jaam Jahan Bin, Tehran: Jami, p. 226
Bahar, Mohammad Taqi. (2003). Stylistics, History of the Development of Persian Prose, Tehran: Amir Kabir, p. 2
Tajlil, Jalil, (1991), Meaning and Expression, Tehran: University Press, 5th edition, p. 84
Haj Babaei, Mohammad Reza, (2015), Persian Prose Varieties in the Qajar Era, Tehran: Qalam Novin, p. 11
Sotoudeh, Gholam Reza, (1995) References and Research Methods, Tehran: Samat, p. 43
Shafii Kadkani, Mohammad Reza, (1996), Poetry in the Onslaught of Critics of Literary Criticism, Tehran: Negah, p. 63
Shamisa, Sirous, (1995), Expression, Tehran: Ferdows, 5th edition, p. 60
_____, (1981), Meaning and Expression, Tehran: Ferdows, 7th edition, p. 38
_____, (1981), A New Look at the Novel, (ed. 2), Tehran: Ferdows, 13th edition, p. 40
_____, (2002), Prose Stylistics, Tehran: Mitra, p. 13
Sadeghian, Mohammad Ali, (2002), Speech Style in Meaning and Expression, Tehran: Islamic Azad University Academic Press, p. 181
Alavi Moghaddam, Mohammad; Ashrafzadeh, Reza, (2007), Meaning and Expression, Qom: Mehr Press, p. 181
Moshraf, Maryam, (2009), Essays in Iranian Educational Literature, Tehran: Sokhan, p. 9
Musaffa, Mazahar, (2003). Introduction to Majma' al-Fashha by Reza Qoli Khan Hedayat. Tehran: Amir Kabir, p. 98
Homai, Jalal al-Din, (2004), Rhetoric and Literary Crafts, Tehran: Homa, 10th edition, p. 256

فهرست منابع فارسی

- احمدنژاد، کامل، (۱۳۸۲)، معانی و بیان، تهران: زوآر، ص ۲۶
اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۰)، جام جهان‌بین، تهران: جامی، ص ۲۲۶
بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). سبک‌شناسی، تاریخ تطوّر نثر فارسی، تهران: امیرکبیر، ص ۲

- تجلیل، جلیل، (۱۳۷۰)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ص ۸۴
- حاج بابایی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، گونه‌های نثر فارسی در عصر قاجار، تهران: قلم نوین، ص ۱۱
- ستوده، غلام رضا، (۱۳۷۴) مرجع‌شناسی و روش تحقیق، تهران: سمت، ص ۴۳
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، شاعری در هجوم منتقدان نقد ادبی، تهران: نگاه، ص ۶۳
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، بیان، تهران: فردوس، چاپ پنجم، ص ۶۰
- _____، (۱۳۸۱)، معانی و بیان، تهران: فردوس، چاپ هفتم، ص ۳۸
- _____، (۱۳۸۱)، نگاهی تازه به بدیع، (ویرایش دوم)، تهران: فردوس، چاپ ۱۳، ص ۴۰
- _____، (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا، ص ۱۳
- صادقیان، محمدعلی، (۱۳۷۱)، طراز سخن در معانی و بیان، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۱۸۱
- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا، (۱۳۷۶)، معانی و بیان، قم: چاپ مهر، ص ۱۸۱
- مشرف، مریم، (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن، ص ۹
- مصفا، مظاهر، (۱۳۸۲)، مقدمه مجمع الفصحا از رضا قلی خان هدایت، تهران: امیرکبیر، ص ۹۸
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما، چاپ ۱۰، ص ۲۵۶

معرفی نویسندگان

سوننا حاجی محمدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: sowna.hajimohammadi@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0741-2393)

آیت شوکتی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: ayat.shokati@iau.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0008-8134-4628)

فرهاد فلاحت‌خواه: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

(Email: farhad.falahatkah@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0006-5109-263x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Sona Haji Mohammadi: Department of Persian Language and Literature, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: sowna.hajimohammadi@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-0741-2393)

Ayat Shokati: Department of Persian Language and Literature, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: ayat.shokati@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0008-8134-4628)

Farhad Falahatkah: Department of Persian Language and Literature, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran.

(Email: farhad.falahatkah@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0006-5109-263x)